کتاب‌خوان

هجوم فیلسوف مطرود به دنیای نظریه‌پردازِ نازی

نگاهی به کتاب «مسئله اسپینوزا» نوشته اروین یالوم

حانیه نصیری| مطالعه سرگذشت بزرگان و مشاهیر علوم انسانی سوای جذابیت می‌تواند آموزنده و راهگشا باشد. آگاهی از سختی‌هایی که آن‌ها از سر گذرانده‌اند و پشتکاری که در مسیر زندگی به خرج داده‌اند می‌تواند انگیزه خواننده سرگذشتشان را برای غلبه بر مشکلات و رسیدن به هدف افزایش دهد. حال تصور کنید این ماجراها را نویسنده‌ای با تخیل داستانی و تجزیه و تحلیل روان آدم‌ها و آرای فلسفی بیامیزد. حاصل کار ممکن است کتاب‌هایی موفق همچون آثار اروین یالوم باشد.

این نویسنده و روان‌درمانگر اگزیستانسیالیست آمریکایی با توجه به زندگی و نظریات انسان‌های برجسته‌ای مانند نیچه و شوپنهاور آثار با ارزشی خلق کرده است که از جمله این آثار فلسفی-روان‌شناختی «وقتی نیچه گریست» و «درمان شوپنهاور» قابل ذکرند. یکی دیگر از آثار مهم و جذاب اروین یالوم «مسئله اسپینوزا»ست. او در مقدمه کتاب می‌نویسد که هنگام بازدید از موزه اسپینوزا در شهر راینزبورخ هلند متوجه می‌شود در زمان جنگ دوم جهانی، نیروهای ای‌آر‌آر تحت نظارت آلفرد روزنبرگ (نظریه‌پرداز ضدیهود نازی) به آنجا رفته و کتاب‌های کتابخانه اسپینوزا را غارت کرده‌اند. اما نکته اینجاست که توجه روزنبرگِ یهودستیز به فیلسوف یهودی قرن هفدهم جلب شده و همین امر، خود، مورد توجه نویسنده این کتاب قرار گرفته است.

اروین یالوم در این کتاب ۲ داستان را با درآمیختن خیال و واقعیت به موازات هم پیش می‌برد. یکی ماجرای بنتو اسپینوزا، فیلسوف سده ۱۷، است که تکفیر و از جامعه یهود طرد شد. داستان با ملاقات ۲ یهودی به نام‌های ژاکوب و فرانکو با اسپینوزا آغاز می‌شود. ژاکوب می‌گوید که فرانکو در اعتقاداتش دچار شک و تردید شده است و از اسپینوزا می‌خواهد با او گفت‌وگو کند. فیلسوف عقاید خود را برای آن‌ها بازگو می‌کند و وقتی خاخام‌ها متوجه این عقاید می‌شوند او را به کفر متهم و از جامعه خود اخراج می‌کنند. با این حال، فرانکو به طور پنهانی ارتباطش را با اسپینوزا ادامه می‌دهد و گفت‌وگوهایی بین آن‌ها رخ می‌دهد که به گفته نویسنده برگرفته از آثار و نظریات اسپینوزاست. یالوم این گفت‌وگوها را با زبانی قابل فهم و ساده به نگارش درآورده است.

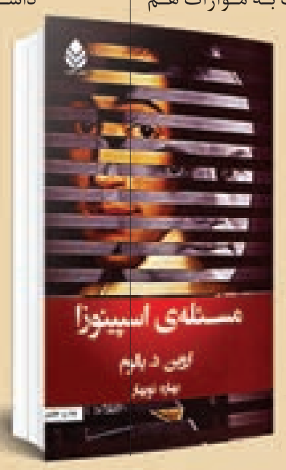

داستان دیگر درباره آلفرد روزنبرگ، نظریه‌پرداز حزب نازی، است که از نوجوانی او آغاز می‌شود، زمانی که مدیر مدرسه‌اش او را به سبب سخنرانی علیه یهودیان سرزنش می‌کند و می‌کوشد به افکار او سروسامان بدهد. وقتی آلفرد قهرمانش را گوته معرفی می‌کند، مدیر از او می‌خواهد تحقیقی درباره قهرمانِ گوته، یعنی اسپینوزا، انجام دهد. نویسنده سپس روان‌کاوی خیالی به نام فردریش فیستر را وارد داستان می‌کند و از طریق گفت‌وگوی او با روزنبرگ دیدگاه‌های روان‌شناختی خود را واضح‌تر بیان می‌کند.

این رمان ۳ بعد فلسفی، روان‌شناختی و تاریخی را در بر می‌گیرد، هرچند بعد تاریخی آن به علت آمیختگی بسیار با تخیل و داستان‌پردازی نویسنده، ضعیف‌تر است. یالوم در پایان کتاب جمله‌ای را از آندره ژید نقل می‌کند: «تاریخ افسانه‌ای است که رخ داده است. افسانه تاریخی است که ممکن است رخ داده باشد.»

این کتاب در ۴۶۹ صفحه نگاشته شده است اما نثر روان و ساده‌ای دارد و در عین حال داستان‌پردازی نویسنده جذابیت ویژه‌ای دارد و شمای خواننده را برای مطالعه رمان مشتاق‌تر و فرایند تفکر را برایتان آسان‌تر می‌سازد. در جایی از کتاب آمده است: «فکر کردن، واقعا فکر کردن کار سختی است، همچون حرکت دادن کمدی سنگین در اتاق زیرشیروانی.»

کتاب «مسئله اسپینوزا» را نشر قطره با برگردان فارسی بهاره نوبهار به چاپ رسانده است.

فراخوان

تولد یک جایزه ادبی انقلابی در مشهد

جشنواره داستان «مشهد ۵۷» به‌طور رسمی فراخوان داد. در آستانه فرارسیدن چهل‌ویکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، فرهنگ‌سرای حجاب مشهد فراخوان یک جایزه ادبی در حوزه داستان را منتشر کرده است. جشنواره «مشهد ۵۷» در ۲بخش «خاطره‌نویسی» و «داستان کوتاه» با محوریت «وقایع مرتبط با پیروزی انقلاب اسلامی در مشهد» برگزار خواهد شد.

این رویداد ویژه شهروندان مشهدی است و شرکت‌کنندگان می‌توانند افزون بر نوشتن داستان یا خاطره با موضوع رویدادهای انقلاب در مشهد، به دستاوردهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی انقلاب اسلامی در این شهر نیز بپردازند. به گفته برگزارکنندگان، هدف از برگزاری این جایزه ادبی اشاعه ارزش‌های انقلاب اسلامی و گرامیداشت سالگرد پیروزی انقلاب است. آن‌ها حمایت از نویسندگان نوقلم و بومی و تولید آثار ارزشی با محوریت آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران را جزو اهداف این جشنواره برشمرده‌اند.

بر پایه فراخوان یادشده، داوری این جشنواره را تعدادی از نویسندگان شاخص و سرشناس شهر مشهد برعهده خواهند گرفت. شرکت‌کنندگان می‌توانند در ۲گروه سنی «کودک و نوجوان» و «بزرگ‌سال» آثار خود را تا پایان ۱۲بهمن‌ماه به نشانی festivalmashhad57@gmail.com یا نشانی تلگرامی @festivalmashhad57 بفرستند. هر نویسنده می‌تواند حداکثر ۳ اثر ارسال کند و این آثار نباید در دیگر جشنواره‌ها رتبه‌ای به دست آورده یا چاپ شده باشند. قرار است آیین پایانی و اعلام نام برگزیدگان در ۲۱بهمن‌ماه برگزار شود. علاقه‌مندان می‌توانند برای دریافت اطلاعات بیشتر از جشنواره داستان «مشهد ۵۷» با شماره تماس ۳۷۵۱۳۳۸۰ داخلی ۲۰ تماس بگیرند یا به دبیرخانه جشنواره واقع در فرهنگ‌سرای حجاب، به نشانی انتهای ابوطالب ۷۴، بوستان حجاب، به‌صورت حضوری مراجعه کنند.

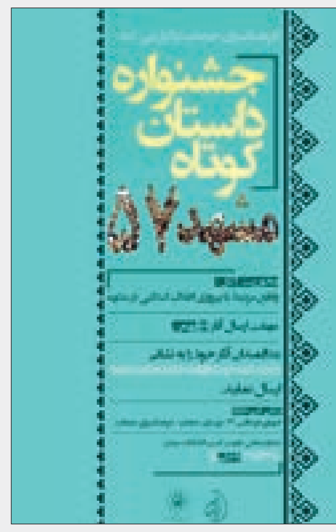

گفت‌وگو

بانویی در برابر آیه‌های زمینی

بررسی نگاه انتقادی‌اجتماعی فروغ فرخزاد در گفت‌وگو با دکتر حمیده لطفی‌نیا

غزاله حسین‌پور| در میان پرچم‌داران شعر نو، فروغ فرخزاد (۱۳۱۳-۱۳۴۵ خورشیدی) جایگاهی ویژه دارد. او به‌ویژه با ۲دفتر واپسین سروده‌هایش «تولدی دیگر» و «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» ضمن پیش گرفتن رویکردی دیگرگون به شکل شعر، در محتوا نیز پوست‌اندازی می‌کند. فروغ همچون هر هنرمند دغدغه‌مند دیگری از فضای حاکم بر جامعه‌اش تأثیر می‌پذیرد و این تأثیر را در شعرهای خود بازتاب می‌دهد. فضایی استبدادزده که برآمده از کودتای ننگین آمریکایی-سلطنت‌طلبانه ۲۸مرداد علیه دولت ملی بود و حال رخوتی هولناک را به جامعه هنرمندان چیره ساخته بود.

امروز سالروز تولد فروغ فرخزاد است و به همین مناسبت با دکتر حمیده لطفی‌نیا هم‌کلام شده‌ایم تا از این مدرس دانشگاه فردوسی مشهد و مدرس پیشین گروه مطالعات ایرانی دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه استراسبورگ فرانسه، درباره نگاه انتقادی اجتماعی شعر فروغ بشنویم.

چشم‌های زل‌زده شیشه‌ای

دکتر لطفی‌نیا شعر فروغ را به ۲بخش تقسیم می‌کند: قسمت اول بیشتر به نگاه او به جامعه مردسالار برمی‌گردد و همچنین در آن با توصیف عشق روبه‌روییم. این عشق بیشتر از زندگی خود او برمی‌آید و مادرانه و نیز درباره جنس مخالف است که این نگاه با سنت جامعه زمان فروغ و نگاه مردسالارانه کاملا مغایر است. دوره دوم شاعری او از کتاب «تولدی دیگر» آغاز می‌شود و بعد از کودتای ۲۸مرداد ۱۳۳۲ است. همان‌طور که از نام کتاب پیداست، شعر فروغ در این زمان دوباره متولد می‌شود.

مدرس سابق دانشگاه استراسبورگ با اشاره به رابطه مستقیم رخدادهای جامعه با اتفاقات تاریخی، می‌گوید: نگاه شعر فروغ و کلا شخصیت هنری این شاعر به اتفاقات جامعه معطوف بود و خودش هم همیشه به این موضوع اذعان داشت که هنرمند نمی‌تواند به اتفاقات اطرافش بی‌تفاوت باشد. بنابراین میان اوضاع سیاسی و اجتماعی جامعه زمانه فروغ و شعر او رابطه‌ای تنگاتنگ وجود دارد. مثلا او در شعر «عروسک کوکی» جامعه‌ای را توصیف می‌کند که در آن همه‌چیز از شکل حقیقی خود دور شده و انسان‌ها مثل عروسکی کوکی هستند که به اتفاقات اطراف نگاه می‌کنند، چشم‌های آن‌ها چشم‌هایی شیشه‌ای است که هیچ تکانی نمی‌خورد و به اطراف زل زده است. قسمت‌های مختلف این شعر حاکی از اعتراضی بی‌ثمر و بیهوده در جامعه و در انتقاد از آدم‌هایی است که همه‌چیز را می‌بینند اما مانند یک انسان کور و کر، نمی‌توانند واکنشی نشان دهند.

توصیف شاعرانه انحطاط

لطفی‌نیا ادامه می‌دهد: در شعر «آیه‌های زمینی» او به اجتماعی اشاره می‌کند که ناامید و منفعل است و نمی‌تواند کاری انجام دهد. به نظر من آیه‌های زمینی یکی از مؤثرترین اشعاری است که تصویری از زمانه خود می‌دهد. در این شعر، فروغ با زبانی گویا انحطاط و سقوط و فساد را در فرهنگی که در آن زندگی می‌کند، توصیف می‌کند. همچنین ما در آن ناامیدی مردم زمانه بعد از کودتا را کاملا حس می‌کنیم. در قسمت‌هایی از شعر اشاره‌ای کلی به استبداد می‌شود و در قسمت مهمی از آن حتی تعبیری مرتبط با سوره «تکویر» می‌آید که پایان جهان را شرح داده است، فروغ هم روز پایان دنیا را به تصویر می‌کشد که اتفاقات جهان اطرافْ امید را از مردم گرفته و خورشید سرد شده است.

شعر «ای مرز پرگهر» مصداقی دیگر از نگاه انتقادی‌اجتماعی بانوی نامدار شعر معاصر فارسی است. به گفته مدرس دانشگاه فردوسی مشهد، در این اثر نگاهی طنزآمیز به بخش‌هایی از جامعه می‌شود؛ این نگاه می‌توانسته همان حرف‌های جدی‌ای باشد که شاعر می‌خواسته با فریاد بگوید، ولی با طنز تلخی آن‌ها را بیان می‌کند. یا در شعر «آن روزها» که مانند نمونه‌های قبلی در کتاب «تولدی دیگر» آمده است، از زمان خجسته‌ای یاد می‌شود که از بین رفته است. همچنین در «دلم برای باغچه می‌سوزد» که در کتاب «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» چاپ شده است، یک دهه بعد از کودتای ۲۸مرداد، فروغ به باغچه‌ای اشاره می‌کند که نمادی از همان کشور و وطن یعنی ایران است.

نقد بر خود

انتقادات فرخزاد به جامعه از نقد بر خود نیز غافل نیست و روشن‌فکران را هم که خود او به‌نوعی به آن‌ها منتسب است، می‌نوازد. لطفی‌نیا می‌گوید: روشن‌فکران در زمان چاپ اشعار فروغ، با آن‌ها مشکل داشتند و بیشترین حمله را به او کردند. درواقع او بیشترین مشکل را با جامعه روشن‌فکری داشته است. فروغ در جامعه‌ای سنتی زندگی می‌کرد که در آن هنوز پذیرفته نشده بود که یک زن به شکل زنانه شعر بگوید، ولی بیشتر کسانی که با او -به‌عنوان نخستین کسی که به این شکل خود را معرفی کرد- مشکل داشتند و حتی برایش نامه‌های تهدیدآمیز می‌نوشتند، روشن‌فکران بودند. آن‌ها ۳دفتر اولیه فروغ را خیلی سبک می‌شمردند، درحالی که به نظر من این دفترها بسیار مهم هستند و راهی را که فروغ طی کرده است، نشان می‌دهد و ما نمی‌توانیم شعر او را بررسی کنیم بدون اینکه به دوره طی شده اشعارش توجه کنیم. سروده‌های او به هم پیوسته است و هریک نشانگر اتفاقاتی است.

شاعری مدام در حال آموختن

به اعتقاد این پژوهشگر ادبیات، باوجود تأثیرگذاری فضای سیاسی ملتهب زمانه به‌ویژه کودتای ۲۸مرداد بر اتفاقات بسیارِ پس از آن و ادبیات ایران از جمله شعر فروغ، عوامل دیگری نیز بر تحول اشعار فرخزاد مؤثر بودند: یکی از چیزهایی که باعث می‌شود شعر او متحول شود، آشنایی‌اش با هنر و سینما و به‌طور وسیعی ارتباطش با جهان بوده است. یعنی فروغ شاعری مدام در حال تغییر بوده است و از زمانی که وارد حیطه هنر می‌شود تا هنگامی که تصادف می‌کند، در حال آموختن بوده است. وقتی شاعری مدام در حال آموختن است، مطمئنا شعر و تفکر او هم متحول می‌شود. همان‌طور که خود فروغ گفته، شعرش زندگی اوست و به عبارتی این دو از هم جدا نیستند و اگر زندگی او متحول شده، مسلما شعرش هم متحول شده است.

دکتر لطفی‌نیا در پایان تأکید می‌کند که با نگاهی پژوهشگرانه و ادبی می‌توان به تحول شعر فروغ پی برد و تحولی را که در فرم و محتوای شعرش رخ داده است، درک کرد. او این نگاه را چیزی فراتر از مسائل حاشیه‌ای زندگی فروغ فرخزاد می‌داند که بیشتر مناسب نشریات زرد است.

یادبود

دنیای خاموش کلاه‌قرمزی

به‌مناسبت سومین سال درگذشت دنیا فنی‌زاده، عروسک‌گردان کلاه‌قرمزی

زوزنی| مرگ به‌خاطر سرطان دست، می‌تواند پایان غم‌انگیز و دراماتیکی برای یک عروسک‌گردان باشد. عروسک‌گردانی که همه کارش با دست است و دل. امروز سومین سالروز درگذشت دنیا فنی‌زاده، عروسک‌گردان شخصیت دوست‌داشتنی «کلاه‌قرمزی» است. او یکی از عروسک‌گردان‌هایی بود که از ابتدا با مجموعه «کلاه‌قرمزی» همکاری می‌کرد و تا آخر عمر در کنار این شخصیت عروسکی ماند و به او جان بخشید. پیوند کلاه‌قرمزی با عروسک‌گردانش به اندازه‌ای بود که بعد از فقدان مرحوم فنی‌زاده، تنها یک‌بار «کلاه‌قرمزی» از تلویزیون پخش شد و بعد از آنکه در سال ۱۳۹۷ از شبکه ۲ روانه آنتن شد، دیگر به تلویزیون نیامد. احتمالا بعد از او هیچ‌کس دیگر نتوانست دست به پشت کلاه‌قرمزی بکشد و این شخصیت عروسکی را به حرکت درآورد. تصور اینکه شغل یک نفر تا پایان عمر عروسک‌گردانی باشد، هیجان‌انگیز است و از آن مهیج‌تر این است که شغل یک نفر تا پایان عمر عروسک‌گردانی کلاه‌قرمزی (شخصیت محبوب دست‌کم کودکان سه دهه ایران) باشد. مرحوم فنی‌زاده با همه این ویژگی‌ها و عشقی که به کارش داشت، برای متولدان دهه‌های ۶۰ و ۷۰ و حتی ۸۰ و ۹۰ خاطره‌ای فراموش‌نشدنی ساخت. شخصیت بازیگوش و تنهایی که حتی نمی‌تواند کلمات را درست ادا کند. او آن‌قدر جذاب بود که حتی اگر به زبان هم نمی‌آوردیم، ته دلمان دوست داشتیم جای کلاه‌قرمزی باشیم و همه این‌ها در کنار صداپیشگی حمید جبلی و کارگردانی ایرج طهماسب، با هنرنمایی دنیا فنی‌زاده ارتباط مستقیم داشت. عروسک‌گردان چهل و شش‌ساله کلاه‌قرمزی، فرزند پرویز فنی‌زاده، بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون بود. او به‌خاطر پیشینه و پشتوانه پدرش می‌توانست وارد بازیگری شود و حتی پیشنهادهایی را هم ازجمله از عباس کیارستمی برای بازی در فیلم دریافت کرد، اما به‌خاطر اینکه پدر مرحومش دوست نداشت دخترش پا به عرصه بازیگری بگذارد، او هم هرگز به این سو نرفت. زنده‌یاد دنیا فنی‌زاده در این‌باره گفته است پدرش به او گفته دوست ندارد وارد حرفه بازیگری شود و هرگز فرصت نشده است که بتواند علت این مخالفتش را از او بپرسد. با اینکه علت مخالفت پدر را نمی‌داند، بعد از درگذشت پدر به خواسته‌اش احترام می‌گذارد و تا پایان عمر به عروسک‌گردانی مشغول می‌شود.

نگارستان

۱۲۰قاب از عکاسان افغانستانی

محمدرضا هاشمی- یازدهمین نمایشگاه عکس «عکاسان افغانستان» شب گذشته با حضور هنرمندان و علاقه‌مندان به هنر عکاسی در نگارخانه رضوان مشهد افتتاح شد و تا ۱۲ دی برپاست. این نمایشگاه را «خانه عکاسان افغانستان» برگزار کرده و در آن ۱۲۰عکس از عکاسان افغانستانی به روی دیوار رفته است. در این نمایشگاه، ۴۷عکاس افغانستانی که هم‌اکنون در شهرهای مختلف این کشور زندگی می‌کنند، درکنار ۳۲عکاس مهاجر افغانستانی ساکن ایران، آثار خود را به نمایش گذاشته‌اند. مرتضی حیدری، مسئول خانه عکاسان افغانستان، درباره این نمایشگاه گفت: فراخوان نمایشگاه در تیرماه سال ۱۳۹۸ منتشر شد که با استقبال خوبی روبه‌رو شد و درنهایت ازمیان ۱۵۰۰اثر رسیده به دبیرخانه، ۱۲۰عکس برای ارائه در نمایشگاه انتخاب شد. به‌گفته او، افغانستان(زندگی روزمره، معماری، طبیعت) و مهاجرت و پناهندگی، موضوع یازدهمین نمایشگاه عکس «عکاسان افغانستان» را تشکیل می‌دهد. خانه عکاسان افغانستان در سال ۱۳۸۸ با هدف تثبیت و محوریت دادن به عکاسان افغانستانی مقیم ایران و افزایش دانش بصری آن‌ها کار خود را در مشهد آغاز کرد. این انجمن تاکنون ۱۰نمایشگاه گروهی عکس و چند کارگاه آموزشی برای عکاسان مهاجر افغانستانی در مشهد برگزار کرده است. نگارخانه رضوان در کوهسنگی ۱۷ واقع شده است.

عکس: مهدیه غوریان | شهرآرا

معرفی فیلم

راهنمای جامع خودویرانگری

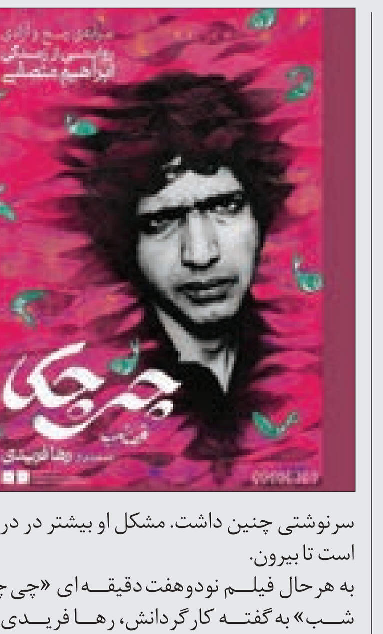

سلمان نظافت یزدی| اثر هنری زمانی نمی‌تواند موفق باشد که خالق آن بخواهد حرف خودش را گل‌درشت در اثرش به خورد مخاطب بدهد. «چی چکا قصه شب» به این عارضه دچار است. ما با اثری روبه‌رو هستیم درباره یک هنرمند، یک خودویرانگر که اگر بخواهیم با خودمان روراست باشیم، باید بدانیم که اگر این خودویرانگری یا به قول یکی از دوستان خواننده، بیماری نبود، ابراهیم منصفی، ابراهیم منصفی نمی‌شد تا امروز یک نفر بیاید و «چی چکا قصه شب» را درباره او بسازد.

هنر و هنرمند با بیماری پیوند خورده است. جولیان اشنابل، کارگردان فیلم «بر دروازه ابدیت»(فیلمی در ژانر زندگی‌نامه‌ای و درام درباره ونسان ونگوگ)، جایی در فیلمش دیالوگی با این مضمون گنجانده است: «اندوه باعظمت‌تر از شادی است. فرشتگان از کسانی که اندوهگین هستند، دور نیستند و بیماری گاهی می‌تواند ما را شفا بدهد.»

شفا یافتن هنرمند، در خلق اثر و ماندگار شدن اوست. او غرق در رنج و اندوه است و هیچ‌گاه آن‌گونه که باید، شفا نخواهد یافت. ابراهیم منصفی هم از همین دسته هنرمندان بود که پیوندی عمیق با اندوه داشت و برای من روشن نیست که چرا کارگردان اصرار داشته است بخشی از وضعیت پیش‌آمده برای او را به تحولات تاریخی مرتبط کند. [همان عارضه‌ای که در بالا ذکرش رفت.] منصفی حتی اگر در سوئیس هم زندگی می‌کرد، احتمالا سرنوشتی چنین داشت. مشکل او بیشتر در درون بوده است تا بیرون.

به هرحال فیلم نودوهفت دقیقه‌ای «چی چکا قصه شب» به گفته کارگردانش، رها فریدی، روایتی از زندگی پرچالش نغمه‌سرای هرمزگانی، ابراهیم منصفی، است. این مستند، معرف موسیقی محلی و معاصر بندرعباس است و آداب و رسوم مردمان این منطقه را به تصویر می‌کشد. چی چکا در بخش تصاویر و عکس‌های آرشیوی، غنی است و می‌تواند به علاقه‌مندان منصفی نگاهی تازه ببخشد اما در روایت منطقه، ما با تصاویر چندان بدیعی روبه‌رو نمی‌شویم و گاهی اصلا تصاویر به‌دلایل نامعلوم کیفیت مناسبی ندارند و انگار با هندی‌کم فیلم‌برداری شده‌اند. (امیدوارم صفت تجربی برای این مستند، محملی برای توجیه این مسائل نباشد.) نشستن پای صحبت مادر و دوستان منصفی هم به ما کمک می‌کند که درباره اندوه مواج در آثار او بیشتر بدانیم و البته کمی هم اعصابمان خُرد شود که چرا کارگردان بیشتر در بستن قاب‌هایش دقت نکرده است و مثلا فیلم گرفتن روی قایقی بر دریایی طوفانی چه کمکی به مخاطب خواهد کرد یا بیانگر چه هدف پنهانی است که ما از درکش عاجزیم.

ساختن مستند درباره ابراهیم منصفی با این همه خرده روایت که درباره‌اش وجود دارد، واقعا کار سختی بوده است و همت او در پیدا کردن آدم‌هایی که در زندگی پرماجرای منصفی نقش‌های کوتاه و بلند داشته‌اند، هم ستودنی بوده است. فریدی این فیلم را ادای دینی به سرزمین مادری‌اش و به هنرمندان مستقلی دانسته است که در زمان حیاتشان شناخته نشده‌اند. چی چکا روایتی برای سینه‌چاکان و علاقه‌مندان ابراهیم منصفی است و احتمالا کسانی که بدون هیچ شناختی از او به دیدن فیلم می‌روند، راضی برنخواهند گشت.

زندگی با موسیقی

شکار سیمرغ با «نگاه نو»

نگاهی به همکاری بازیگران شناخته‌شده با کارگردانان تازه‌کار در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر

شکیبا افخمی‌راد| بخش نگاه نو جشنواره فیلم فجر فرصتی برای کارگردانان فیلم‌اولی و استعدادهای جوان فراهم کرده است تا بتوانند در این رویداد ملی حضور پررنگ‌تری داشته باشند. خیلی اوقات حتی فیلم‌هایی که در این بخش اکران می‌شوند، بیشتر از فیلم‌های حاضر در بخش سودای سیمرغ مورد توجه منتقدان و مخاطبان قرار می‌گیرند. اگر بخواهیم از یکی از دوره‌های طلایی بخش نگاه نو در جشنواره‌های اخیر نام ببریم، می‌توانیم به سی‌وچهارمین جشنواره فیلم فجر اشاره کنیم؛ زمانی که سعید روستایی با ساخت فیلم «ابد و یک روز» توانست هفت سیمرغ در بخش اصلی و دو سیمرغ بهترین فیلم و بهترین کارگردانی در بخش نگاه نو را از آن خود کند. در این دوره از جشنواره، کارگردان فیلم‌اولی دیگری چون محمدحسین مهدویان برای ساخت «ایستاده در غبار»، احسان بیگلری برای ساخت «برادرم خسرو»، سهیل بیرقی برای ساخت فیلم «من» و حمیدرضا قربانی برای کارگردانی «خانه‌ای در خیابان چهل‌ویکم» خوش درخشیدند، حتی در دو دوره سی‌وپنجم و سی‌وششم جشنواره فیلم فجر که بخش نگاه نو بدون هیچ دلیلی حذف شد، کارگردانان فیلم‌اولی با فیلم‌های متفاوت خود توانستند نظر علاقه‌مندان را جلب کنند. حضور این سینماگران خوش‌ذوق و جوان که از اوایل دهه ۹۰ به شکل جدی آغاز شد، اعتماد بسیاری از بازیگران مطرح را جلب کرد تا در فیلم‌های این کارگردانان به ایفای نقش بپردازند؛ به‌طور مثال در جشنواره سال گذشته شاهد همکاری بازیگران مطرحی چون فاطمه معتمدآریا، باران کوثری، جواد عزتی و حامد بهداد در فیلم «جاندار»، اولین ساخته حسین امیری‌دوماری و پدرام پورامیری، یا حضور علی نصیریان، بابک حمیدیان، صابر ابر و رضا کیانیان در فیلم «مسخره‌باز» به کارگردانی همایون غنی‌زاده بودیم. همچنین در سی‌ودومین جشنواره فیلم فجر ناصر ضمیری سینماگر مشهدی با ساخت «با دیگران» نخستین فیلم بلندش در بخش نگاه نو جشنواره خوش درخشید. در این فیلم سینمایی هنگامه قاضیانی، بازیگر مشهدی سینما، حسین مهجوب و بابک حمیدیان به ایفای نقش می‌پرداختند. هرچند هنوز فهرست معتبری از ۳۷فیلم کارگردانان فیلم‌اولی متقاضی حضور در سی‌وهشتمین دوره جشنواره فیلم فجر منتشر نشده است، اطلاعات موجود از همان چند فیلمی که خبر حضورشان در جشنواره امسال را رسانه‌ای کرده‌اند، نشان‌دهنده اعتماد دوباره بازیگران شناخته‌شده به کارگردانان جوان است. اعتمادی که می‌تواند سیمرغ بلورین جشنواره را برای آن‌ها به‌همراه داشته باشد. در نوشتار پیش‌رو نگاهی انداخته‌ایم به حضور بازیگران مطرح و بازیگران جوان‌تر در بخش نگاه نو جشنواره امسال.

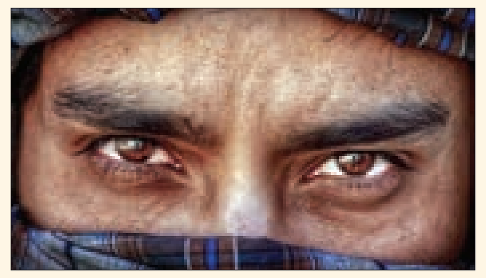

همکاری ساعد سهیلی و سعید ملکان

ساعد سهیلی، بازیگر مشهدی سینما، پیش‌تر با فیلم‌هایی چون «چند مترمکعب عشق» و «پل خواب» در بخش نگاه نو دوره‌های سی‌ودوم و سی‌وچهارم جشنواره فیلم فجر حضور داشته است. او امسال نیز در فیلم «روز صفر» اولین ساخته سعید ملکان به ایفای نقش پرداخته است. ملکان جزو چهره‌پردازان باسابقه ایران است که تهیه‌کنندگی چند فیلم را نیز برعهده داشته است. آن‌طور که در اخبار آمده، ملکان برای ساخت فیلم اولش به‌سراغ روایت ماجرای دستگیری عبدالمالک ریگی رفته است. امیر جدیدی دیگر بازیگری است که حضور در اولین تجربه فیلم‌سازی ملکان را پذیرفته است. او جزو بازیگرانی است که از اعتمادش به کارگردانان تازه‌کار نتیجه خوبی گرفته است. جدیدی در سی‌ودومین دوره جشنواره فیلم فجر، دیپلم افتخار بازیگری در بخش نگاه نو را برای بازی در دو فیلم «پایان خدمت» و «سیزده» از آن خود کرد و در سی‌وچهارمین دوره جشنواره نیز برای حضور در فیلم «من»، اولین ساخته سهیل بیرقی، نامزد دریافت سیمرغ بلورین در بخش بازیگری مکمل مرد شد. حال باید منتظر ماند و نتیجه اعتماد سهیلی و جدیدی را به ملکان دید.

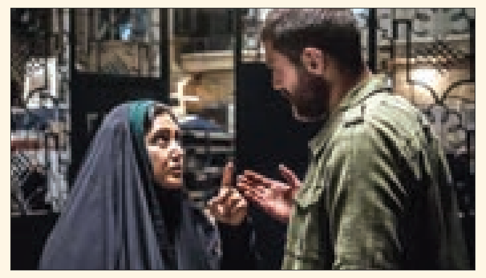

بازگشت ترانه علیدوستی به فجر

ترانه علیدوستی و باران کوثری، دو بازیگری که در دوران فعالیت حرفه‌ای خود توانستند سیمرغ بلورین جشنواره فیلم فجر را از آن خود کنند، امسال در اولین تجربه فیلم‌سازی دو کارگردان به ایفای نقش پرداخته‌اند. باران کوثری که سال گذشته نیز با فیلم «جاندار» در بخش نگاه نو جشنواره حضور داشت، احتمالا امسال با فیلم «کشتارگاه» به کارگردانی عباس امینی در این بخش شرکت کند. درکنار کوثری بازیگرانی چون مانی حقیقی، امیرحسین فتحی و حسن پورشیرازی در اولین فیلم عباس امینی به ایفای نقش می‌پردازند. ترانه علیدوستی نیز که آخرین حضورش در جشنواره فجر به سی‌ویکمین دوره آن و فیلم «آسمان زرد کم‌عمق» بازمی‌گردد، درصورت آماده شدن فیلم «اورکا»، اولین ساخته سینمایی سحر مصیبی، بعد از هفت سال در این جشنواره حضور خواهد یافت. مصیبی کارگردان مستند مطرح «صفر تا سکو» است و آن‌طور که در اخبار منتشر شده، او در اولین ساخته سینمایی خود به‌سراغ روایت داستانی متفاوت رفته است.

اعتماد دوباره مهران احمدی به «نگاه نو»

مهران احمدی، دیگر بازیگر خراسانی، نیز که سال گذشته با فیلم «روزهای نارنجی» به کارگردانی آرش لاهوتی در بخش نگاه نو جشنواره فیلم فجر حضور داشت، امسال در اولین ساخته بهرنگ دزفولی‌زاده به نام «بی‌صدا حلزون» بازی می‌کند. فیلمی که گفته می‌شود قصه‌ای مرتبط با جامعه ناشنوایان دارد. بهرنگ دزفولی‌زاده پیش‌تر عکاس سینمایی بوده و شماری فیلم کوتاه مستند و داستانی نیز ساخته است.

او علاوه‌بر مهران احمدی از حضور بازیگران شناخته‌شده دیگری چون هانیه توسلی، پدرام شریفی، محسن کیایی و بهنوش بختیاری نیز بهره گرفته است. درمیان این بازیگران، هانیه توسلی تجربه موفقی از حضور در آثار کارگردانان فیلم‌اولی در کارنامه دارد. او در سی‌ویکمین دوره جشنواره فیلم فجر برای بازی در فیلم «دهلیز»، اولین ساخته بهروز شعیبی، سینماگر مشهدی، توانست سیمرغ بهترین بازیگر نقش اول زن را از آن خود کند.

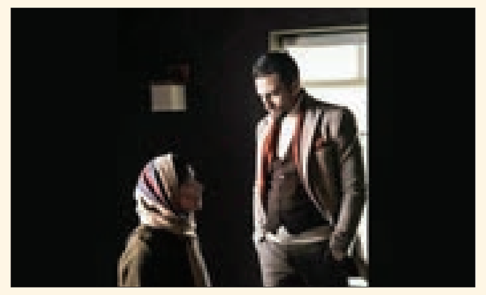

۲ سینمایی و ۱۰ ستاره

دو فیلم «لتیان» و «شنای پروانه» را می‌توان پرستاره‌ترین فیلم‌هایی که احتمالا به بخش نگاه نو جشنواره سی‌وهشتم راه پیدا می‌کنند، معرفی کرد. در فیلم «لتیان» به کارگردانی علی تیموری، بازیگران مطرحی چون امیر جدیدی، پریناز ایزدیار، سارا بهرامی، حسن معجونی و ستاره پسیانی نقش می‌آفرینند. تیموری که کار خود را از برنامه‌ریزی و دستیاری کارگردان آغاز کرده، برای اولین ساخته سینمایی خود به‌سراغ روایت یک داستان اجتماعی رفته است. «شنای پروانه» دیگر فیلم پربازیگری است که یک کارگردان فیلم‌اولی ساخته است. محمد کارت که ساخت چند فیلم کوتاه و مستند را در کارنامه خود دارد، در اولین ساخته سینمایی‌اش از حضور چهره‌هایی چون جواد عزتی، طناز طباطبایی، امیر آقایی، پانته‌آ بهرام، علی شادمان و مه‌لقا باقری بهره گرفته است. کارت در این فیلم، رسول صدرعاملی، کارگردان مطرح سینما را به‌عنوان تهیه‌کننده کار در کنار خود دارد.

«ملاقات با جادوگر» به قلم ژوله

مانی حقیقی، امیرمهدی ژوله، هستی مهدوی، علیرضا خمسه و نسیم ادبی از بازیگران مطرحی هستند که برای بازی در اولین ساخته حمید بهرامیان کنار هم آمده‌اند. این اثر از معدود فیلم‌های اولی است که در ژانر کمدی ساخته شده است. مانی حقیقی با حضور در این فیلم و «کشتارگاه» دو فیلم در بخش نگاه نو امسال خواهد داشت. همچنین چندی پیش تصویری از امیرمهدی ژوله که خود نگارش فیلم‌نامه «ملاقات با جادوگر» را برعهده دارد، با گریمی شبیه به بن‌لادن منتشر شد.

این تصویر مورد توجه مردم و رسانه‌ها قرار گرفت. درمیان فیلم‌های اول دیگری که با حضور چهره‌های سینمایی، متقاضی حضور در جشنواره فیلم فجر امسال شده‌اند، نیز می‌توان به «شاهین» اشاره کرد. در این فیلم بازیگرانی چون علیرضا کمالی، گلاره عباسی و مهران رنجبر به ایفای نقش می‌پردازند. سالار طهرانی که تا امروز چند فیلم ویدئویی، کوتاه و مستند ساخته است، کارگردانی «شاهین» را برعهده دارد. گفته می‌شود این فیلم در ژانر وحشت و روان‌شناسانه ساخته شده است.

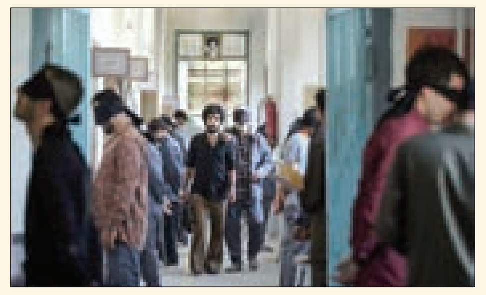

سینماگران جویای نام

اما امسال علاوه‌بر فیلم‌های اولی که با حضور بازیگران مطرح ساخته شده‌اند، آثاری متقاضی حضور در بخش نگاه نو شده‌اند که به‌سراغ چهره‌های جدید و تازه رفته‌اند. رضا اخلاقی‌راد، بازیگر جویای نام مشهدی که تا امروز در فیلم‌هایی چون «لرد» و «خون خدا» به ایفای نقش پرداخته است، احتمالا امسال با فیلم «ریش‌قرمز»، اولین ساخته ماکان عاشوری، در جشنواره فیلم فجر حاضر خواهد شد. آن‌طور که در اخبار آمده است، این فیلم، داستانی مرموز و ترسناک دارد. «پوست» به نویسندگی و کارگردانی بهمن و بهرام ارکی، دیگر فیلمی است که بدون بازیگران مطرح، احتمالا در بخش نگاه نو جشنواره به نمایش درخواهد آمد. فیلم «پوست» به عشق و تقبیح جادو و خرافه‌پرستی می‌پردازد. فیلم «لباس شخصی» اولین ساخته امیرعباس ربیعی با محوریت داستان تحولات اوایل انقلاب اسلامی و حزب توده و فیلم سینمایی «اوج ۱۱۰» به نویسندگی و کارگردانی سیاوش سرمدی با روایت داستان بخش‌هایی از زندگی شهیدستاری، از دیگر فیلم‌های اولی هستند که متقاضی حضور در جشنواره فجر امسال شده‌اند.

«ردای گوهرشاد»؛ ویژه بانوان

گروه هنرا جشنواره «ردای گوهرشاد» از دوشنبه ۹دی تا چهارشنبه ۱۱دی با موضوع طراحی لباس بانوان به سبک زندگی ایرانی‌اسلامی، ایجاد ارتباط بین فرهنگ اسلامی و تحولات دنیای مد و لباس به‌همت سازمان اجتماعی‌وفرهنگی شهرداری مشهد برای نخستین‌بار در مشهد برگزار می‌شود. از میان ۲۲۰اثر رسیده به جشنواره، ۱۷۰ اثر به مرحله نهایی راه یافتند و درنهایت ۶۰اثر برگزیده در تاریخ یادشده هر روز از ساعت ۱۰ تا ۱۸ در نگارخانه چارسوق هنر برای عموم به نمایش گذاشته می‌شود. همچنین دو کارگاه تخصصی باموضوع «تولید لباس عفاف‌وحجاب» و «برندینگ و بازاریابی» در حاشیه این جشنواره برگزار خواهد شد. در این جشنواره مبنای طراحی پوشش بانوان، الهام گرفتن از سبک‌های معماری بناهای اسلامی‌ایرانی از جمله حرم مطهر رضوی، مسجد گوهرشاد و کاخ عالی‌قاپوی اصفهان است. اختتامیه جشنواره ردای گوهرشاد ۱۴دی‌۹۸ در فرهنگ‌سرای خانواده برگزار و تندیس «ردای گوهرشاد» به منتخبان اهدا می‌شود.

هنر شهری

خانه بهار، یک گام پیش‌تر

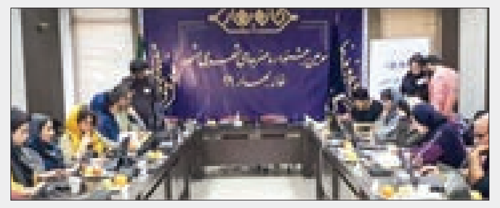

کارگاه دیوارنگاری‌های شهری به‌منظور بررسی طرح‌های پیشنهادی در حال برگزاری است. ۱۶هنرمند دیوارنگار مشهدی و تهرانی در کارگاه سه‌روزه دیوارنگاری «خانه بهار ۹۹» شرکت کردند و با استادان راهنما درحال بررسی طرح‌هایشان هستند. آن‌ها با ارائه طرح‌های خود با سه رویکرد «مشهدالرضا(ع)، شهر زیارت و معنویت»، «من مشهد را دوست دارم» و «شهر بهار، مشهد گلستان می‌شود» برای بهبود و افزایش کیفیت آن‌ها تبادل‌نظر می‌کنند.

این افراد که از میان تعداد زیادی هنرمند متقاضی انتخاب شده‌اند، هرکدام هشت مجموعه طرح برای هشت نقطه تعیین‌شده شهر ارائه کرده‌اند که قرار است در پایان این دوره سه روزه که فردا به پایان می‌رسد هشت طرح انتخاب شود.

به گفته صدرا یوسفی، دبیر سومین جشنواره هنرهای شهری، این هنرمندان دیوارنگار، به گروه‌های دونفره تقسیم شدند و از میان طرح‌های هر گروه، طرح یک نفر برای اجرا انتخاب خواهد شد.

همراه با فجر ۹۸

فیلم بازیگر مشهدی به فجر نرسید

حسین سهیلی‌زاده، کارگردان «نیلگون» که متقاضی نمایش این فیلم در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر بود، از حضور در جشنواره بازماند. بر این اساس و برمبنای اطلاعات منتشرشده از جشنواره فجر۹۸، میترا حجار، بازیگر مشهدی سینمای ایران، در جشنواره امسال حضور نخواهد داشت.

ایرج محمدی و حسین سهیلی‌زاده با ارسال نامه‌ای به ابراهیم داروغه‌زاده، دبیر جشنواره سی‌وهشتم فجر، دلیل این اتفاق را به پایان نرسیدن مراحل فیلم‌برداری و فنی فیلم اعلام کردند.

در بخشی از این نامه آمده است: «از آنجایی که فیلم‌برداری فیلم سینمایی «نیلگون» به پایان نرسیده و مراحل پس‌تولید آن نیاز به زمانی طولانی دارد، لذا حضور «نیلگون» در سی‌وهشتمین جشنواره فجر میسر نمی‌باشد.» علاوه‌بر حجار، بازیگر نقش اول زن این فیلم سینمایی، محمدرضا فروتن، همایون ارشادی، سام درخشانی و آناهیتا درگاهی، در «نیلگون» نقش می‌آفرینند.